

نظریه – عمل

حمیدرضا جلائی پور: نظریه theory: به درک ذهنی از جهان و بازسازی فکری آن ، نظریه گفته می شود. نظریه در برابر جهان ، متغعل نیست و در وضعیت انسانی تغییر ایجاد می کند؛ مخصوصاً نظریه انتقادی و نظریه کنش ، معطوف به ایجاد تغییرات اجتماعی هستند .

عمل practice: به دخالت انسان در فرآیند اجتماعی ، عمل می گویم . افراد با این دخالت پویا (عمل) در پی تغییر شرایط خود هستند . فهم عمل بدون پشتوانه نظریه ، اگر نه محال ، بسیار دشوار است ، البته عکس آن نیز صادق است .

■ **مفاهیم مرتبط**

روش شناسی methodology: به شاخه‌ای از نظریه جامعه‌شناختی گفته می شود که به کاراترین و مناسب ترین راه‌های به‌کارگرفتن و آزمون نظریه در عمل می‌پردازد. بنابراین ، روش شناسی هم شامل مطالعه روش (با معیار مناسب بودن آن برای مطالعه جهان اجتماعی) است و هم به‌کارگیری روش به عنوان وسیله‌ای برای آزمون ادعاهای تبیینی نظریه و کاربرد عملی آنها را دربر می‌گیرد.

نقد critique: به عرضه‌کردن نظریه‌ای اجتماعی گفته می‌شود که نه تنها در پی تبیین ساختار و فرآیندهای جامعه (با جوامع) مورد نظر است ، بلکه می‌کوشد کمبودها و نواقص سازمانی و اخلاقی آن را نیز تشخیص دهد، برای آنها جایگزین طراحی کند و طرح تغییراتی را که برای تحقق آن مورد نیاز است ، ارائه دهد .

مشروع سازی legitimization: به عملی گفته می‌شود که جامعه توسط آن ، نظم مشخصی از مناسبات نهادی و تعاملی را موجه می‌سازد. این اعمال در همه جوامع به طور مرتب و روزانه به چند شکل صورت می‌گیرند ، مثلاً به شکل نظام مسلطی از باورها، مجموعه‌ای از مقررات و اعمال آنها که مناسبات مهمی (مثل مناسبات اقتصادی و سیاسی) را تنظیم می‌کند ، یا نظامی برای بازتولید فرهنگ .

ایدئولوژی ideology: به مجموعه‌ای از اندیشه‌ها ، باورها ، ارزش‌ها و مفاهیمی گفته می‌شود که به گونه‌ای منسجم و در قالب روایتی متقاعدکننده از علل مؤثر در شکل‌گیری جوامع و شرایط و جهت‌گیری جوامع ، سامان داده شده و معمولاً به یکی از عناصر مهم فرهنگی جوامع تبدیل می‌شود . معمولاً ایدئولوژی را با نظریه مقایسه می‌کنند . نظریه ، وابسته به علم و در پی تبیین واقعی است ، در حالی‌که تبیین‌های ایدئولوژیک ، تحت تأثیر منافع ، ارزش‌ها و سوگیری هستند .

بازتاب‌ندنگی (بازاندیشی) reflexivity: یکی از خاصیت‌های نظریه است ، چراکه یکی از ویژگی‌های زبان بازتاب‌ندنگی است . بازتاب‌ندگی ، همان ویژگی اساسی زبان در عمل است که موجب می‌شود صرفاً به یک ابزار پیام‌رسانی تقلیل پیدا نکند. زبان تنها آنها را به آن اشاره می‌کند گزارش و توصیف نمی‌کند ، بلکه به طور بازتابی (بازاندیشانه) آن را می‌سازد. این اتفاق با هم‌راهی و تعامل این عوامل رخ می‌دهد: معنای مورد نظر استفاده‌کننده از آن زبان ، معانی ضمنی دیگری که در زبان بر حسب موقعیت فرهنگی آن موجود است ، ولی مورد نظر استفاده‌کننده نبوده ، و فهم گزینشی نظر فمسر از این معنای اراده شده و معنای ضمنی اراده نشده .

کل نگری holism: کل نگری به رهیافتی در تبیین جامعه‌شناختی گفته می‌شود که موضوع مورد نظر خود (جامعه) را کلیتی می‌داند که از اجزای مستقل دارای کارکرد مقابل تشکیل شده است . دو پیامد مهم این رهیافت از این قرار است : اول ، از نظر اجتماعی به افراد با دیدی جبرگرایانه گریسته می‌شود و آنها محصور جامعه دانسته می‌شوند . دوم ، این نگرش تقویت می‌شود که جوامع روال‌های نهادی‌ای را که از نظر کارکردی برای بقا و تداومشان ضروری است ، به طور مکرر توسعه می‌دهند و از این لحاظ محافظه‌کارانه عمل می‌کنند .

فردگرایی individualism: این رهیافت در تبیین جامعه‌شناختی درست برخلاف رهیافت کل نگر ، به «افراد» جامعه توجه می‌کند . در این رهیافت به افراد به عنوان کنشگران اجتماعی (و معنای وبری آن) نگریسته می‌شود. از نظر وبر ، کنشگر اجتماعی کسی است که در کنش هایش ، حضور واقعی یا نمادین دیگران را لحاظ می‌کند . بنابراین ، رهیافت فردگرایی جوامع را مخلوق پویای افراد می‌داند . البته به این واقعیت نیز اذعان دارد که ساختارهای نهادی در جامعه توسط آنها سازماندهی شده است) آزادی کنش افراد را کاهش می‌دهند .

گفتمان discourse:واژه‌ای است که عموماً توسط پساساختارگرایان –مخصوصاً دریدا و فوکو (۱۹۸۴–۱۹۲۶)– استفاده شده است و به نظامی (معمولاً کلامی) از روال‌های نشانه‌شناختی نوشتن ، خواندن و مبادله ارتباطی معنی دار و تفسیری اشاره دارد . از ویژگی‌های تفسیرهای گفتمانی آن است که به خصلت ایدئولوژیک نشانه‌هایی که به کار می‌روند ، توجهی آشکار و بازتابی دارند. این خصلت ایدئولوژیک نشانه‌ها ها ، خود را در معنای‌ای که با این نشانه‌ها ساخته می‌شوند نیز نشان می‌دهد (دریدا ۱۹۷۸ ، فوکو ۱۹۷۲).

ساخت گشایی (واسازی) deconstruction:به روشی تفسیری در خوانش متون اطلاق می‌شود که توسط ژاک دریدا (۲۰۰۵ – ۱۹۳۰) (پساساختارگرا) مطرح شده است. این روش بر پایه مفهوم زبانی که بی مرکز شده – یعنی زبانی که تحت سیطره مجموعه‌ای تجویزی از معانی ترجیحی نیست– بنا شده است . بنابراین خوانش متون زبان‌شناختی در واقع بررسی تفاوت‌های معنایی است که به گونه‌ای تغییراتی (بازاندیشانه) در واژه‌های سازنده متن و روابط میان آنها قابل دسترسی است .

چندفرهنگی گرایی multiculturalism: نوعی از نظریه اجتماعی معاصر است که بر این مسئله تأکید دارد که جامعه مدرن متأخر (از پسا مدرن) ناگزیر از گروه‌های فرهنگی متمایز و متعددی تشکیل شده است . یاره‌ای از این گروه‌ها به واسطه تجربه استعمار و سرکوب از سوی جامعه ، علیه اشکال سنتی نظم و سلطه اجتماعی صف‌آرایی می‌کنند و بر ضد آن می‌شوند .

پساستعمارگرایی postcolonialis: نوعی از نظریه اجتماعی است که ارتباط نزدیکی با چندفرهنگی گرایی دارد و به طور خاص بر جوامع غیروابایی که در معرض استعمار و اخیراً نوسازی (مدرنیزاسیون) قرار داشته‌اند ، متمرکز می‌شود . این استعمار و نوسازی معمولاً از طریق تحمیل فرهنگ و نهادهای اروپاکانون (eurocentric) صورت می‌گیرد و به تخریب و جایه‌بندی نهادها و فرهنگ‌های مردم و اهالی بومی می‌انجامد . پس از دوران استعمار (که معمولاً با درگیری و منازعه به پایان می‌رسد) جامعه‌ای که تحت استعمار بوده ، به بازسازی نهادها و فرهنگ تخریب‌شده‌خود (به خصوص زبان و رسوم) می‌پردازد و با این‌کار از اروپا-کانونی‌سی (eurocentrism) –تحمیل‌شده ، کانون‌زدایی می‌کند .

پُل فیلبر
مکتب‌خانه

گزارش سخنرانی محمد بقایی ماکان در حسینیه ارشاد فریاد از هویت گمشده

علی حجوانی: جوان‌ها کم‌کم پیدایشان شد . هر چند ابتدا به نظر می‌آمد قرار نیست برنامه‌ای برگزار شود . پسر جوان خوش تیپ که مسئولیت اداره جلسه کوچک سخنرانی را بر عهده داشت ، ابتدا چند آیه قرآن خواند و از استقبال کم مخاطبان و دوستان خود در «نشست فرهنگ ایرانی و هویت ملی» گلّه کرد . جلسه با یاد مرحوم دکتر شریعتی آغاز شد . حدود ۱۵ جوان ، دور هم نشسته بودند تا محمد بقایی ماکان ، سخنانش را درباره فرهنگ و هویت ایرانی آغاز کند .
اواخر فروردین امسال ، «تمغه امتیاز» ، عالی‌ترین نشان فرهنگی دولت پاکستان ، به خاطر سی سال تلاش و مطالعه در حوزه «اقبال‌شناسی» به او تعلق گرفت و از ۲۴ جلد کتاب «بازنگری آثار و افکار اقبال» او که در حدود ۱۰ هزار صفحه‌است ، تجلیل شد .

■ **اهمیت هویت**

بقایی در ابتدا به اهمیت بحث عینی و غیرانتزاعی در شرایط امروز تأکید کرد و از روش کاربردی و غیردانشگاهی بحث هایش سخن گفت: «چند سالی است به این نتیجه رسیده‌ام که سخنان آکادمیک برای نسل جوان دلچسب نیست و او را جذب نمی‌کند . این جور صحبت‌ها در چنین شرایط بحرانی ، مانند این است که کنار دریا بایستیم و به جای کمک به یک انسان در حال غرق شدن ، برای او توضیح دهیم که آبی که او در آن دست و پا می‌زند از اکسیژن و هیدروژن تشکیل شده است . امروز مشاهده می‌کنیم به تدریج زیر پایمان در حال خالی شدن است . جایی که آن را وطن خود می‌دانیم. هویت ملی در حال از دست رفتن است و این ، زنگ هشدار است برای همه ماست .»

■ **چهره‌ها فرهنگ ایران**

بقایی ، مثال‌هایی از چهره‌های درخشان فرهنگ ایران زد و نگاه غرب‌گرایانه افراطی این روزها را به انتقاد گرفت : «نیازی نیست که از فرهنگ عظیم کشور خود سخن بگوییم . فرهنگ ما به‌رغم نامالیامات فراوانی که وجود داشته ، چهره‌های درخشانی را به دنیا عرضه کرده است . فردوسی سال‌ها پیش از یسکین گفت : «توانا بود هر که دانا بود». امام محمد غزالی سال‌ها پیش از دکارت بحث تشکیک را مطرح کرد . او همچنین پیش از هیوم به مسئله علت و معلول اشاره کرد . چرا ما اینقدر شیفته نیچه هستیم؟ همه اندیشه‌های محوری او در فرهنگ ما قابل ردگیری است . نیچه نسبت به زتان دید بدی داشت و آنها را عامل فتنه‌گری و دگرگونی‌های زودگذر در مردان می‌دانست . حالا نگاه سعدی را ببینید : «زان رفتن و آمدن گد گویم / می‌آیی و می‌روم من از هوش». بیان او نسبت به این مسئله ، بسیار انسانی و زیباست .»

■ **تصحیف غرب‌زدگی**

بخش بعدی سخنان او ، به توضیح درباره جدیدترین کتابش اختصاص داشت. بقایی (تصحیف غرب‌زدگی «را این گونه معرفی کرد: «تصحیف ، صنعتی ادبی است که در آن با عرض کردن نظره در کلمه ، معنای نژادی در آن به وجود می‌آید . غرب‌زدگی به عرب‌زدگی تبدیل می‌شود . در این

چند استدلال منطقی در باب فواید گیاه‌خواری

قانع کننده تری برای گیاه‌خواری خود دوست و پا کنید . چون اگر این حرف‌ها را نرنزید گیاه‌خوار نیستید .

است مضمرات گیاه‌خواری لحظه‌ای بروز خواهد کرد که مخاطب شما در مجامع عمومی به

گیاه‌خوار بودن صادق هدایت و گاندی واقف باشد . آن وقت ناچارید که کرفش بخورید و خود را ناامید جلوه دهید و سرانجام خودکشی کنید .

البته شانس شما در این است که شهرت گاندی به گیاه‌خواری کمتر از صادق هدایت است اگر نه مجبور می‌شدید انگلیسی‌ها را از هند بیرون بریزید و شغل خود را

رها کرده و صبح تا شب نخ بریسید . اما از آنجا که هند دیگر مستعمره انگلیس نیست و شما هم قصد خودکشی ندارید بهتر است خود را گیاه‌خوار معرفی نکرده و روز به روز جاق تر

شوید . با این کار راحل در صددالامد آینده

همه جاق خواهند بود و دیگر چاقی یک بحران زیست محیطی نخواهد بود .

gholipour_a@yahoo.com

■

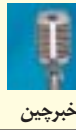
سیدحسین نصر در گفت‌وگو با نشریه «ویس آگراس باندربز» کانادا:

احساسات ضد یهودی پدیده‌ای جدید در میان مسلمانان

این روزها اقبال و توجه به نصر افزایش یافته . همزمان با انتشار کتاب گفت‌وگوی رامین جهانگیرلو با او در ایران خبرهای زیادی از این متفکر سنت گرا در خبرگزاری‌ها و روزنامه‌ها دیده می‌شود . سیدحسین نصر در گفت‌وگو با نشریه «ویس آگراس باندربز» کانادا (Voice Boundaries) درباره احساسات ضدیهودی و ضداسرائیلی که در بین مسلمانان رایج است اظهار داشت: این یک پدیده جدید است که در واکنش به ظهور صهیونیسم به عنوان یک ایدئولوژی لائیک در منطقه و تاراج سرزمین فلسطین و ظلم بر مردم آن پدید آمده است . استاد مطالعات اسلامی دانشگاه جورج واشینگتن آمریکا در گفت‌وگو با رومر تیلور خبرنگار نشریه «ویس آگراس باندربز» کانادا (Voice Boundaries) درباره احساسات ضدیهودی و ضداسرائیلی که در بین مسلمانان رایج است اظهار داشت: این یک پدیده جدید است که در واکنش به ظهور صهیونیسم به عنوان یک ایدئولوژی لائیک در منطقه و تاراج سرزمین فلسطین و ظلم بر مردم آن پدید آمده است . استاد مطالعات اسلامی دانشگاه جورج واشینگتن با اشاره به وضعیت تاریخی مسیحیان و یهودیان در بیشتر



ایران روزها اقبال و توجه به نصر افزایش یافته . همزمان با انتشار کتاب گفت‌وگوی رامین جهانگیرلو با او در ایران خبرهای زیادی از این متفکر سنت گرا در خبرگزاری‌ها و روزنامه‌ها دیده می‌شود . سیدحسین نصر در گفت‌وگو با نشریه «ویس آگراس باندربز» کانادا (Voice Boundaries) درباره احساسات ضدیهودی و ضداسرائیلی که در بین مسلمانان رایج است اظهار داشت: این یک پدیده جدید است که در واکنش به ظهور صهیونیسم به عنوان یک ایدئولوژی لائیک در منطقه و تاراج سرزمین فلسطین و ظلم بر مردم آن پدید آمده است . استاد مطالعات اسلامی دانشگاه جورج واشینگتن با اشاره به وضعیت تاریخی مسیحیان و یهودیان در بیشتر



خیرچین

حکمت شادانان



بود که در نهاد ما وجود داشت ، نظامی ، زرتشت و بسیاری از چهره‌های بزرگ تاریخ ایران ، به جای این که به زبان مادری خود سخن بگویند زبان فارسی را انتخاب کردند اما به قول

در جست‌وجوی نام

حمیدرضا بقایی: نامگذاری بیش از آنکه فرآیندی جذاب و اشتیاق‌برانگیز باشد ، با این هدف انجام می‌شود که مخاطب‌را در ویژگی‌های آنچه بدان نام نامیده می‌شودیه تأمل وادارد . پدر و مادرها از چندین ماه قبل از به دنیا آمدن فرزندشان با یکدیگر و بزرگان فامیل سر و کله می‌زنند و مثنوی و شاهنامه و کتاب‌های نامگذاری را شخم می‌زنند که برای آقاآزاده نام‌یاشته‌ای بگذارند که هم «با معنی» باشد ، هم زیبا ، هم خوش‌آوا و هم منحصر به فرد. البته ممکن است در هر دورانی یکی از این ویژگی‌ها اهمیت بیشتری پیدا کند . به همین خاطر است که باتام‌های بسیار پرهیزی مواجه می‌شویم که گاهی اصلاً نمی‌شود آنها را تلفظ کرد . این فرآیند در حوزه نامگذاری کتاب به گونه‌ای دیگر جلوه می‌یابد . سیدحسین نصر نامش می‌کند با انتخاب نامی با سبمی و جذاب ، مقدمات بیرون رفتن کتاب از ویترین و به زیر بغل افراد را مهیا کند . همین مسئله باعث‌شده در سرزمین‌مان با عناوین پرمطهراتی برای بعضی کتاب‌ها مواجه شویم که وقتی می‌خوانیم‌شان می‌فهمیم چندرازدهم هم نمی‌ارزیدند و حتی از آن نام و عنوان ، بعدها به این مسئله خواریم‌پروخت ، اما امروز یک نکته دیگر موضوع نجوا است . «در جست‌وجوی امر قدسی» ، عنوان کتابی است که نشر نری به تازگی منتشر کرده است . این کتاب که شاید مهم‌ترین کتاب منتشر شده در یکی دو سال اخیر در این حوزه باشد ، حاصل گفت‌وگوی رامین جهانگیرلو است با سیدحسین

اقبال : ز خود رمیده چه داند که درد من ز کجاست؟»

■ **هویت امروزی**

ادامه صحبت‌های او ، انتقاد از شرایط موجود فرهنگی و هویتی ایرانیان ، به خصوص جوانان بود: «از جوانان ایرانی درباره شخصیت‌های تاریخ بی‌اعتنایی برخورد می‌کنند و جواب‌های نامناسبی می‌دهند . حتی این تصور که جوانان ما علاقه‌ زیادی به فوتبالیست‌های ملی خود دارند نیز گاهی تا تردید موجه می‌شود . علاقه آنها را به آبی و قرمز با این علاقه مقایسه کنید . البته منظوم این نیست که علاقه و احساسی به تیم ملی وجود ندارد اما این احساس پروریده شده‌است و در همان حد ابتدایی و عادی باقی مانده است .»

■ **آیین‌های ایرانی**

دکتر بقایی ، سخنانش را با پرداختن به دنوای فرهنگ و اهمیت آیین‌های ایرانی ادامه داد: «نوروز ، یکی از مهمترین نهادهای فرهنگی ایران است . من ، شما ، یک بندرملی‌ای و یک استارای را همین سبزه و ماهی که هم پیوند می‌دهند . نوروز

هویت ملی ما و مبارزی همیشه پیروز است . اسم این عید ، نوروز است نه عید بهار . چهارشنبه‌سوری ، جشنی است که در واقع با عالم بالا مرتبط است . البته منظوم انفجار بمب و ترقه و این جور کارهای امروزی نیست که این کارها ربطی به چهارشنبه‌سوری ندارد . داستان چهارشنبه‌سوری داستان آتش و پاکی آن است . ما سیزده به در داریم . معنای در هم ، دشت و دمن است . یعنی گذراندن روز سیزدهم در طبیعت . ۱۳ در فرهنگ ایرانی ، روز خجسته‌ای است . روز تیر است . ما عقیده داریم تیر آرش کمانگیر در این روز پرتاب شد و مرز ایران را مشخص کرد .»

■ **غم وطن**

سخنان او ، رو به پایان می‌رفت . بقایی از غم هایش گفت و سخنرانی را با این جملات به پایان برد : «اگر به جوان امروز بگوییم که چنین قصاصایی جرمود دارد ، او خودش را پیدا می‌کند . اگر او را با فرهنگ ایرانی آشنا کنیم ، خود را به هیئت غریب در نمی‌آورد . هر کس غم فرهنگ ایران را بخورد ، نتیجه‌اش شادی است و غم جوانان و وطن را خوردن ، کاری سازنده است . به قول اقبال – که به‌رغم ایرانی نبودنش از جهانی خیلی هم ایرانی است : غم دو باشد ای برادر گوش کن / شعله ما را چراغ هوش کن / یک غم است آن غم که آدم می‌خورد / یک غم دیگر که هر غم را خورد»

حرف‌ها ، با غزلی از نصرت رحمانی و چند ستوال و جواب تمام شد و حاضران ، صندلی‌های بی‌شمار سالن را ترک کردند . غروب بود و صدای آذان می‌آمد . سه – چهار نفر ، همچنان در حیاط حسینیه ایشاد ، با بقایی ماکان بحث و ستوال و جواب می‌کردند . ایستگاه اتوبوس بیرون در ، پر از مسافران استاده و منتظر دو ، فوسوس که آن همه صندلی سالن سخنرانی ، مال ایستگاه اتوبوس نبود .

فاصله نیاز و میل

که عمدتاً خودآگاه است و البته از بطن «نهاد» (id) می‌زاید ، یعنی در مواجهه با «واقعیت‌های» خارجی . واقعیت‌های ما مسلماً پیوندی ناگسستگی با فرهنگ و جامعه دارند ، یعنی در مجموع با جهان نامادین هر انسانی در آن به سر می‌برد (چون چنان که بارها گفتیم زندگی «انسانی» بدون ارتباط یعنی بدون زبان میسر نمی‌شود و تنها زیستن عموماً به حیات «اجوانی» می‌گشد) . همین مواجهه با جهان نمادین است که به تعبیر لوی‌استروس آدمی را انسان می‌کند ، یعنی از حیسن نیازهای محض برون می‌آورد و وارد عرصه می‌های نمادی می‌کند . در نهایت باید از superego (ایبرمن) سخن بگوییم . «ایبرمن» بخشی از دستگاه روان بشر است که بخشی از آن فرآیندی شکل و قوام می‌پذیرد که فروید از آن به «درون‌فکنی» تعبیر می‌کند . روان بشر این فرآیند اندرزا و تهدیدها و هشدارها و کثیرهای پدر و مادر ، معلمان و مربیان و دیگر مراجع دارای اقتدار را به درون می‌برد و بر پایه ego (من) به آن انتظام می‌بخشد: «ایبرمن» حاصل جمع آمدن قواعد اخلاقی و هنجارهای اجتماعی در درون است . می‌دانید که نفس لوامه یعنی نفس بسیار سرزنش گر و ملامت‌گر که عملکرد اصلی‌اش بازدارندگی است . از دید فروید «من» در کشاکش خویش‌های «آن» و درخواست‌ها یا نهی‌های «ایبرمن» (وجدان اخلاقی + هنجارهای جامعه) و در مواجهه با واقعیات جهان هرروزه سعی در ایجاد تعادل و حفظ آن دارد ؛ می‌توان گفت «من» با میانجی‌گری میان نیروهای اغلب متعارض طبیعت و فرهنگ تعین می‌یابد ، «من» بودن و متلازمه فکر کردن یعنی زیستن در مبارزه‌ای با امان ، دوام آوردن در حدفاصل نیاز و میل .

یک شب مؤمن



بود ؛ عکاس به دنبال دخترانی در مراسم احیا گشته بود که تبلور همین نقضاد سبک زندگی بودند . اسم مجموعه بود «یک شب مؤمن» .



شاتر

آخرازمان، به روایت آنان

محمود صدیقی: می‌گویند آخرازمان است . علاتش هم آشکار شده . این بلبشویی که در دبایست مقدمه ظهور منجی موعود است و دچال هم همین روزهاست که ظاهر شود . البته «اینها» که می‌گویم مسیحیان آخرازلزمانی آمریکایی هستند و



روایتشان به ما تفاوت‌ها دارد . به رجعت عیسی بن مریم معتقدند و می‌گویند تا کشت و کشتار تمام‌عاری از نسل بشر نشود و به کارزار خویشی در دشت «ارماگدون» واقع در اسرائیل فعلی انجامد عیسی مسیح سوار بر مرکب ابرها رجعت نخواهد کرد که دنیا را بر از عدل و داد کند . با لفظاتی بودن و متاخر بودن این باور کاری نداریم که هم این است و هم آن . (مسلکی مبتنی بر ادعای برتری مسیحیت یهودستان غربی است ، آمیخته با تاویلی از «مکاشفات یوحنا» در انجیل) . اشکال کار اینجاست که این بدعت در ذهن مؤمنین باقی نمی‌ماند .

به دنوای فرهنگ و سیاست نشست می‌کند و نفت خصوصت‌های ملل و مذاهب می‌شود . سه عامل است که این باور را به تهدیدی برای صلح جهانی تبدیل کرده . اولاً قدرت و وسعت آن است که بنابر یک برآورد ۱۷ میلیون آمریکایی را دربرمی‌گیرد که حاضرند دست‌راششان را برای آن زیر ساطور بگذارند . ۵۳ میلیون نفر دیگر هم به طور اجمالی به آن معتقدند . این یعنی یک چهارم جمعیت آمریکا! ثانیاً جغرافیای این باور است که در کشوری واقع شده که به لحاظ اقتصادی و نظامی قوی‌ترین کشور جهان است . ثالثاً (و این مهمترین زنگ خطر است) آخرازمانی‌های مسیحی از دنیا و مافیها کناره‌نگرفته‌اند بلکه وظیفه خود می‌دانند که ظهور مسیح را جلو بپندارند . پیشگوییانی هستند که آستین‌ها را بالا زده‌اند که پیشگویی‌هایشان را به هر قیمتی که شده درست از آب در بیاورند . اخبار راز و دنبال می‌کنند . بلایای طبیعی از زلزله تا سونامی را به عنوان آیات و علامت ظهور می‌بینند . وقایع

سیاسی روز را هم همین طور .

تهاجم آمریکا به عراق را توجیه آخرازمانی می‌کنند و تخریب صور و صیدای لبنان را از مقدمات ظهور به حساب می‌آورند . در طرفداری از اسرائیل هم کاشه داغتر از آتش‌اند چون می‌خواهند در نبرد ارماگدون مارا از روزگار لشکرکرجال (یعنی مسلمان‌ها!) در آورند . ملاحظه می‌فرمایید از دست این متعصبین چه می‌کشیم؟ خواب و خوراکشان شده رجعت موعودشان . از من بپرسید: «اگر او شجمت داشتی شیشه کبود / زان کبودت جمله عالم می‌نمود» . می‌خواهند با بسج آزای انتخاباتی و گروه‌های

فشار پارلمانی سیاست خارجی آمریکا را در بحث پیشگویی‌هایشان سبقت دهند . اوضاع به قدری بحرانی است که یکی از رئیس‌جمهورهای سابق آمریکا (جیمی کارتر) کتابی در رد این بدعت مسیحی نوشته در حالی که یکی از مؤمنین به آن در کاخ ریاست‌مهوری نشسته . حالا چه کار می‌شود کرد؟ از من بپرسید: می‌گویم روشنگری واقعیت این است که اکثر مسیحیان آمریکا و دنیا آدم‌های معقول و صلح‌دوستی هستند و روحشان هم از این افراطی‌گری‌ها خیر ندارد . اخیراً در کنفرانسی در دانشگاه مسیحی سن آنتونیوی تگزاس (شهری که از مراکز عمده افراطیون مسیحی هم هست) شرکت کردم که هذش همین متوال روشنگری ضداافراطی برای مسیحیان بود . بله باید ناد داد بیابند ببینند از درنشان چه سوءتعمیهایی دارد می‌شود . خود ما هم که منع پیش می‌کنیم یادمان باشد از این رطب‌ها خورده‌ایم! اگر عقلای مسیحی را در برابر غلاه آنها بسپیم می‌کنیم فکری هم به حال غلاه امت خودمان و اسلام طالبانی و شبه‌طالبانی بکنیم . این چراغی است که به کلیسا رواست و به مسجد حرام نیست!



دوربرگردان

سیر حکمت در جهان اسلام

همایش «سیر حکمت در جهان اسلام طی سده‌های اخیر» از سوی موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران با همکاری موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی اواخر آبان‌ماه امسال برگزار می‌شود. به گزارش مهر، موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران در نظر دارد با همکاری موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، هم‌ساله همایشی در درباره سیر حکمت در جهان اسلام در سده‌های اخیر با تأکید بر آرا و آثار یکی از حکمای برجسته این حوزه با شرکت صاحب‌نظران داخلی و خارجی برگزار کند. نخستین همایش به بررسی آثار مرحوم استاد جلال‌الدین آشتیانی اختصاص یافته‌است که اواخر آبان‌ماه ۱۳۸۵ در تهران برگزار خواهد شد. جایگاه حکمت اسلامی در جهان معاصر، وضعیت کنونی فلسفه اسلامی و نسبت آن با فلسفه غرب، چسبستی فلسفه اسلامی و نقد و بررسی وضعیت موجود حکمت اسلامی در ایران محوره‌های کلی این همایش هستند.

همایش جهانی ویگنشتاین

بیست‌ونهمین همایش جهانی ویگنشتاین ۱۵ تا ۲۱ مردادماه سال جاری در اتریش برگزار می‌شود. به گزارش مهر، برگزارکننده این همایش انجمن اتریشی ویگنشتاین است. در این همایش نیز مانند دیگر همایش‌های سالیانه ویگنشتاین آخرین پژوهش‌ها و تحقیقات در باب اندیشه‌های ویگنشتاین معروف‌ترین متفکران قرن بیستم به همراه هایدگر تأثیرگذارترین فیلسوف سده بیستم به حساب می‌آید و ادبیاتی که حول‌وحوش این دو متفکر سامان‌یافته به خوبی این نکته را به اثبات می‌رساند. در گروه‌های فلسفه دانشگاه‌های آمریکا و انگلستان بیشترین تزهاری که ارائه می‌شوند با محوریت اندیشه‌های ویگنشتاین بسط می‌یابند.

مسئله شر

کتاب «مسئله شر» تألیف پتر ون این‌واگن از سوی انتشارات دانشگاه آکسفورد روانه بازار نشر شده است. به گزارش مهر به نقل از پایگاه اینترنتی انتشارات دانشگاه آکسفورد این کتاب درس گفتارهای ون این‌واگن در کشی‌گیفورد است. ون این‌واگن که از معروف‌ترین فیلسوفان دین معاصر است در این کتاب سعی کرده به یکی از پرمناقشه‌ترین مضامین دینی و فلسفی نزدیک شود. عناوین پاره‌ای از این کتاب بدین قرارند: مسئله شر و استدلال شر، ایده خدا، شکست فلسفی، استدلال چانتنمول و استدلال غیرجهان‌شومول. ون این‌واگن استاد فلسفه در دانشگاه مشهور نوتزدام است.



خیرچین